

«آواز هخوان طاس» یکی از پر آوازه ترین نمایشنامه های اوژن یونسکو است

باز نمایی تھی شدن زندگی

یکی از مطرح ترین نمایش های که این روزها روی صحنه است، نمایش «آواز هخوان طاس» است. متن این نمایش در سال ۱۹۴۹ میلادی توسط اوژن یونسکو نوشته شده که از سوی نظر به پردازان و منتقدان به عنوان سر دم دار جریان ایزورد یا معنا باخته شناخته می شود. «آواز هخوان طاس» نمایشی هجو آمیز است که از خلال گفت و گوهای بی معنی شخصیت هایش، به نقد روابط آدم هادر زندگی امروزی می پردازد.



آذر فخری

نمایش: آواز هخوان طاس
نویسنده: اوژن یونسکو
مترجم: علی باش
کارگردان: پارسا محمدزاده
بازیگران: شایلین جلالی، شادی آقایی، سحر بران، میثم همایونی فرد، نگین رشیدی، محمد شیدایی، سمن شعیراف
در این نمایش بهاره رهنما (در نقش خانم اسمیت)، هومن برق نورد (در نقش آقای اسمیت)، سروش صحت (در نقش آقای مارتین)، فلامک جنیدی (در نقش خانم مارتین) و هوتن شکیبا (در نقش آتش نشان) بازی می کنند.

یک قصر زندگی می کنند؛ زیرا «خانه یک انگلیسی قصر واقعی اوست!» آقای اسمیت باید قاعدتان در جریان همه این مسائل باشد. ولی آدم های تودار و یا فراموش کار بسیارند. حالا خانم و آقای اسمیت تازه شام خورده اند که دوستان اسمیت وارد می شوند و گفت و گویی میان این چهار نفر در می گیرد که در باره بدیهیات است اما اساسی است و حقایق پیچیده تری در پی دارد؛ آن ها بحث می کنند که: زندگی در روستا از زندگی در شهر خیلی بهتر و آرام تر است. خانواده مارتین اما معتقدند که در شهر جمعیت بیشتر باعث امتیازات بیشتر می شود، مثلا وجود مغازه های بیشتر و جنس های متنوع تر. صحبت هر دو طرف از نظر یونسکو درست است. هر دو طرف حقیقت را بیان می کنند. این گفت و گو نشان می دهد و ا ق عیت های متضاد می توانند خیلی خوب با هم و در کنار هم زندگی کنند

بی هیچ اتفاقی شوکه می شویم!

یونسکو، نمایشنامه ای را به صحنه می آورد که در آن هیچ ماجرای مهمی اتفاق نمی افتد، شخصیت ها مدام تغییر می کنند ساز و کاری که حوادث را پیش می راند کاملا پوچ گرایانه ایزورد است. در یک دکور کاملا انگلیسی آقای خانم اسمیت نشستند و سر گرم صحبت با یکدیگر هستند. جملاتی که میان آن ها ردوبدل می شود هیچ محتوا و معنای خاصی ندارد. این دو نفر هیچ چیزی برای گفتن به همدیگر ندارند و فقط ابلهانه ترین و بی معناترین جملات را پشت سر هم ردیف می کنند. دوستان آن ها آقا و خانم مارتین هم به این چرخه می پیوندند و طولی نمی کشد که این چهار نفر تبدیل می شوند به دلقک های که با سخنانی نامفهوم با هم مجادله می کنند. رفته رفته بازی با کلمات، بیان جملات واضح و غیر ضروری، استفاده از ضرب المثل های نادرست

«آواز هخوان طاس» یکی از پر آوازه ترین نمایشنامه های اوژن یونسکو است. نویسنده ای که اغلب شخصیت های نمایش هایش آدم های مشخصی نیستند، گذشته ای ندارد اما بلکه آدم های ساده و طبیعی هستند که انتقاد های اجتماعی را مطرح می کنند

و تمرین سرعت در گفتن جملات تمام نمایشنامه را به خود اختصاص می دهد. این جملات با چنان سرعت و نظمی ادا می شوند که گویی شخصیت های نمایشنامه مشغول صحبت در مورد موضوعات بسیار مهم و منطقی هستند. در میانه های نمایش، ناگهان چراغ ها خاموش و صحبت ها تمام می شوند. سپس دوباره چراغ ها روشن می شوند و این بار آقای خانم مارتین به جای آقای خانم اسمیت نشستند و دقیقاً همان جملاتی را که در صحنه اول میان آن دو ردوبدل می شد، می گویند. در همین حال پرده به آرامی کشیده می شود و نمایشنامه به پایان می رسد.

ما اوژن یونسکو

شخصیت های این نمایشنامه که زندگی شان خالی از هر معنایی است فقط حرف می زنند برای آنکه چیزی گفته باشند به همین دلیل در پایان نمایشنامه آقا و خانم مارتین همان حرف های خانواده اسمیت را تکرار می کنند و در نقش آن ها ظاهر می شوند. این دور تسلسل در نمایشنامه یونسکو در حقیقت بیانگر «پوچی زندگی» است.

خوب است بدانیم که اوژن یونسکو هیچ علاقه ای به تئاتر نداشت اما از ۳۸ سالگی شروع به نوشتن نمایشنامه کرد، او بیشتر اهل تخیل، رمان، شعر و سینما بود و علاقه خاصی به تئاتر نداشت، تا زمانی که کتاب یادداشتی بر کتاب «دستور زبان» را نوشت و به دنبالش تئاتر را ادامه داد. صحنه های رویایی نمایشنامه های یونسکو کمتر واقعی و واقعیت هایش، کاملاً رویایی است و نهایتاً نشانه های کاملاً شخصی و غیر واقعی در آثار او دیده می شود. یونسکو تربیت مذهبی بسیار سختی داشته و به همین دلیل هیچ گاه فکر مرگ او را هانمی کرد، دل شوره و دلپلهره موجود در آثارش نیز از همین تربیت ناشی می شود.

در نمایشنامه های یونسکو زیر متن و نیت نهفته در پشت دیالوگ ها و روابط مهم است. شخصیت های یونسکو مستقیم و غیر مستقیم یک رابط و یک پشت رابطه، یک دیالوگ دارند که همین زیبایی اصلی به آثار یونسکو می بخشد.

یونسکو نسبت به تمام مردم جهان دغدغه و تعهد فلسفی دارد و به این ترتیب تعهدات سیاسی را زیر سؤال می برد او انتخاب سیاسی نمی کند و به مسئله مهم تر نیندیشیدن انسان ها می پردازد و این فاجعه را مورد بررسی قرار می دهد.

فرروپاشی زبان در متن زندگی

«آواز هخوان طاس»، همه شخصیت ها نقش های نمادین دارند. صحبت های بی پایان و بی معنی و تکراری آن ها از بسیاری جهات، ماهیت پوچ زندگی انسان را به نمایش می گذارند. آواز هخوان طاس در باره تراژدی زبان صحبت می کند. فرروپاشی زبان مضمون اصلی این نمایشنامه است. اما البته این نمایشنامه مهم تر از همه هجونامه ای است درباره زندگی طبقه متوسط. انسان هایی که راز نظر روحی تهی شده اند. آن ها هر چه برای برقراری ارتباط با هم بیش تلاش می کنند، کم تر موفق می شوند سخنان مکاتیبی آن ها منجر به جملات بی ربطی می شود و همین باعث می شود، حرف های بی معنی بر

در نمایشنامه های یونسکو زیر متن و نیت نهفته در پشت دیالوگ ها و روابط مهم است. شخصیت های یونسکو مستقیم و غیر مستقیم یک رابط و یک پشت رابطه، یک دیالوگ و پشت دیالوگ دارند که همین زیبایی اصلی به آثار یونسکو می بخشد

زبان بیاورند. در نهایت این جملات به صداهایی پر هرج و مرج تبدیل می شوند. در پایان، این شخصیت ها که آکنده از خشم هستند و عدم توانایی شان در برقراری ارتباط درست، آن ها را به فرسودگی می کشاند، اینان زبان خود را به مرز انفجار می رسانند و به جایگاهی پایین تر از یک انسان عادی تنزل پیدا می کنند. به این ترتیب، یونسکو با این نمایشنامه تراژدی ارتباطات انسانی را به تصویر می کشد.

پوچی و فرروپاشی معنا

مضمون برجسته دیگر این نمایش، نشان دادن پوچی فرآیند زندگی است. هم چنان که نمایشنامه پیش می رود، ماهیت پوچ زبان به اوج نابودی می رسد. دوشخصیتی که با هم از دواج کرده اند با یکدیگر همچون غریبه ها رفتار می کنند. به دلیل این که نمی توانند با هم ارتباط برقرار کنند، وقتی در یک مهمانی با هم برخورد می کنند، ابتدا کمی با هم صحبت می کنند سپس متوجه می شوند که در اصل زن و شوهر هم هستند. به این ترتیب با این تمهید، یونسکو به پوچی زندگی مدرن اشاره می کند. او هم چنین از زبان به دوروش استفاده می کند: ابتدا به عنوان ابزار برای نمایش زندگی غریبه هایی که با هم زندگی می کنند و سپس به عنوان نشانه زمانی که صرف زبان می شود تا به واسطه آن شخصیت ها بتوانند ارتباطاتشان را با یکدیگر مشخص کنند. از او بیگانگی که در این رابطه ها به وجود می آید هم یکی از ابزار های مهم تئاتر پوچی است که یونسکو مورد توجه قرار می دهد.

اما از این واژه پوچی نباید ترسید. یونسکو می گوید: «حساس پوچی دلیل آن است که از مرز آن گذشته ایم. من دل پوچی فرمی روم تا هر زن را نشان دهم و با هزل سبک باری ایجاد کنم و با خنده از سنگینی اشیا بکاهم و حضور مجدد آدمی را تضمین کنم. برای پشت سر گذاشتن پوچی، باید در دل آن فرورفت.»

خبر

به همت انجمن هنرهای نمایشی استان تهران برگزار می شود:

سه رویداد هنری
در نیمه نخست سال جدید



انجمن هنرهای نمایشی استان تهران در شش ماهه نخست سال جدید، دورویداد در سطح استانی و یک رویداد در سطح ملی برگزار می کند. انجمن هنرهای نمایشی استان تهران در راستای فعالیت ها و برنامه های خود در شش ماهه نخست سال ۱۳۹۸، دورویداد رادر سطح استانی و یک رویداد رادر سطح ملی برگزار می کند. این رویدادها شامل دوازدهمین جشنواره تئاتر لیخند پاکدشت است که قرار است با محوریت تئاترهای کمدی به صورت استانی برگزار شود. در این جشنواره گروه های شرکت کننده ضمن رقابت در بستری با عنوان جشنواره تئاتر لیخند در شهرستان پاکدشت دور هم جمع می شوند و به تبادل تجربیات خود می پردازند. فراخوان این جشنواره که قرار است در تابستان ۹۸ باشد، تا نیمه اول اسفند ماه منتشر خواهد شد. در این جشنواره آثار منتخب در شهرستان های استان تهران به اجرای عمومی در می آیند. این رویداد هنری به شکل سراسری برگزار می شود و گروه های سراسر کشور که در حوزه تئاتر آیینی فعال هستند، می توانند در این رویداد حضور داشته باشند. از آن جا که شهرستان فیروز کوه از شهرهای تفریحی استان تهران محسوب می شود این جشنواره در این شهرستان متمرکز شده است.

«خیمه شب بازی بارگاه

سلیم خان» در باغ کتاب تهران



«خیمه شب بازی بارگاه سلیم خان» جمعه ۱۷ اسفند در سالن شماره ۸ مجموعه باغ کتاب تهران اجرا می شود. این برنامه با همکاری بخش سینما و تئاتر کودک مجموعه باغ کتاب روز جمعه ۱۷ اسفند ماه ساعت ۱۸ در سالن شماره ۸ مجموعه با حضور احترام برومند و ستاره اسکندری اجرا می شود. «خیمه شب بازی بارگاه سلیم خان» که توسط گروه نمایش عروسکی سینا تولید شده، نوشته شهرزاد مبرهن است و سیلوش ستاری کارگردانی آن را به عهده دارد. سایر عوامل این خیمه شب بازی عبارتند از طراحی و ساخت عروسک: سیلوش ستاری و شهرزاد مبرهن، بازی دهندگان عروسک: شهرزاد مبرهن و سینا ستاری، بازیگر: سیلوش ستاری، دستیار کارگردان و مدیر اجرا: امیر تومسون، کمپوزر: امیر عباس مطیعی، صابر محمدی و تکنیک نمایش به صورت نخستی. در خلاصه این نمایش آمده است: در بارگاه سلیم خان به مناسبت عروسی پسر فرخ خان جشنی برپاست. مجموعه باغ کتاب تهران در میدان ونک، بزرگراه حقایق، مسیر غرب به شرق، بعد از تقاطع بزرگراه شهید مدرس، خروجی تکیخانه ملی واقع است.

اجرای نمایش «ملاقات»

در تالار اصلی تئاتر شهر

نمایش «ملاقات» به کارگردانی پارسا پیروفر از روز یکشنبه ۱۲ اسفند در میان استقبال مخاطبان در تالار اصلی تئاتر شهر آغاز شد. نمایش «ملاقات» به نویسندگی فردریش دورنمات و کارگردانی پارسا پیروفر از روز یکشنبه ۱۲ اسفند در میان استقبال مخاطبان در تالار اصلی تئاتر شهر آغاز شد. در این اثر نمایشی (به ترتیب حروف الفبا) علی ابدالی، نسترن امیر عبدالهیان، زینب ایزدپناه، رضا بهبودی، افسانه پرمر، یانته اناهی ها، پارسا پیروفر، سیلوش چراغی پور، احسان حاجیان، مهدی حسینی نیاو ... به عنوان بازیگر حضور دارند. نمایش «ملاقات» به کارگردانی پارسا پیروفر هر روز غیر از شنبه هادر تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می رود.



اخیر تنگ و تنگ تر شده و جز مواردی انگشت شمار، غالباً شاهد جابه جایی چهره های تکراری در بخش های مختلف بوده ایم. آیا با تکرار مکرر این فرآیند باید امید به تغییر در شرایط داشته باشیم؟

مدیران تئاتر حذف نمی شوند؛ به یک صندلی دیگر منتقل می شوند!

فریبرز داری

سال های اخیر شاهد بوده ایم که اگر فردی به عنوان مدیر وارد تئاتر ایران شود، به عنوان مدیر باقی خواهد ماند و فقط احتمال جابه جایی صندلی مدیریت برای او وجود دارد. تنها انتصاب دور از تکرار جایگزینی رقیه و کیلی آذر در امور بین الملل اداره کل هنر های نمایشی به جای سعید اسدی است که همزمان مسئولیت این بخش و همچنین ریاست مجموعه تئاتر شهر را بر عهده داشت. این جابه جایی ها در مدیریت تئاتر ایران تشابه زیادی

به مقوله «پایستگی انرژی» دارد مبنی بر این که «انرژی نه از بین می رود و نه به وجود می آید و تنها از شکلی به شکل دیگر تبدیل می شود.» این که مدیران در تئاتر ایران هم قادر به برنامه ریزی در حوزه های مدیریتی از جمله مدیریت مجموعه های تئاتری و بخش های اداری تئاتر هستند و هم توانایی حضور در عرصه های تخصصی را دارند، نکته قابل توجهی است که تنها در حوزه مدیریت در تئاتر ایران قابل رؤیت است. به طور حتم دایره مدیریت تئاتر ایران طی یک دهه